

بررسی تطبیقی ایزدان سه‌گانه در ایران و ارمنستان در دوران باستان

مریم مکی

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم تحقیقات تهران^۱

چکیده

ایزد از ریشه \sqrt{yaz} اوستایی به معنی ستایش و پرستیدن است. ایرانیان باستان تا پیش از قرن سوم میلادی (آغاز حکومت ساسانیان) چند خدایانگر بوده‌اند که این مسئله در ارمنستان تا پیش از شیوع مسیحیت مشاهده شده است و می‌توان تشابهاتی بین این ایزدان و پرستش آنها در این دو سرزمین همیشه دوست و همسایه یافت. در این مقاله، نگارنده به بررسی سه ایزد از ایزدان ایران باستان یعنی اهورامزدا، مهر، آناهیتا و همچنین سه ایزد متقابل آن که در ارمنستان باستان وجود داشته است یعنی آرامازد، آناهیتا و واهگن پرداخته و نکات مشترک این ایزدان را مطالعه و بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق پیش رو می‌تواند بیانگر این باشد که ایزدستان ارمنی باستان بسیار تحت تأثیر ایزدستان ایران باستان بوده و همواره با تغییر و تحولات و انطباق آن با منطقه خود توانسته است یک فرهنگ اساطیری بسیار مشابه با فرهنگ اساطیری ایران باستان برای خود رقم زند.

کلیدواژه‌ها: ارمنستان، آناهیتا، میترا، واهگن، آرامازد.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۹/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۳

Email: Maryammakki432@gmail.com

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده است. استاد راهنما: دکتر فرح زاهدی. استاد مشاور: دکتر محسن ابوالقاسمی، دکتر الیزابت سهراب.

مقدمه

در دین زرتشتی، ایزدان^۱ یا موجودات پرستیدنی فراوانی وجود دارد. در مجمع آسمانی، ایزدان از نظر رتبه در رده سوم پس از اهورامزدا و امشاسپندان قرار دارند. اگرچه ایزدان بی‌شمارند، اما بدیهی است که بعضی چهره‌ها بر دیگران برتری دارند و اینها ایزدانی هستند که روز خاصی از ماه در تقویم زرتشتی به آنان اختصاص دارد. از میان مهم‌ترین ایزدان می‌توان اهورامزدا^۲، مهر^۳ (میتره) و ناهید(آناهیتا)^۴ را نام برد که معمولاً سرود یا یشتی مخصوص به خود دارند. در میان ایزدان ارمنی باستان سه ایزد آرامازد^۵، آناهیت^۶ و وهاگن^۷ که اهمیت ویژه‌ای دارند را می‌توان نام برد.

باید گفت که روابط ایران و ارمنستان از نظر تاریخی، فرهنگی و اقتصادی سابقه‌ای بس طولانی دارد که یکی از عوامل مهم آن، همسایه و هم‌مرز بودن این دو کشور است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، اولین شاهد صادق، تشابهاتی است که می‌توان در میان دو گروه از ایزدان سه‌گانه این دو کشور یافت (اگرچه تفاوت‌هایی هم قابل مشاهده است).

یکی از منابع، کتیبه بیستون است که در زمان داریوش اول هخامنشی نوشته شده و در متن آن از آرمینا^۸ (ارمنستان) نام برده شده است. (kent 1952: 115)

ارمنستان از همان زمان امپراتوری ماد تحت نفوذ ایرانیان قرار گرفت. این نفوذ از دیدگاه دینی، تا زمان مسیحی شدن کشور که بیشتر در نیمه قرن سوم (به‌دست گریگوری روشنگر) انجام شد، استیلا داشت. منابع ما درباره کافرکیشی^۹ در میان مردم ارمنستان به عصر ساسانی باز می‌گردد، اما وضعیتی که این منابع را توصیف

1. yazata

2. Ahuramazdā

3. Miθra

4. Anāhitā

5. Aramazd

6. Anāhit

7. Vahagn

8. Armina

9. paganism

می کند، در عصر اشکانی نیز وجود داشته است. وام گیری وسیع واژه های پارسی از سوی مردم ارمنستان بیشتر در این زمان تحت تأثیر ایران صورت گرفته است. با توجه به یکسان بودن نژاد هر دو قوم و نزدیکی هر دو سرزمین (از نظر جغرافیایی) به نظر می رسد که این دو قوم در زمینه های گوناگون همچون ادیان و عقاید نکات مشترکی داشته و یا اینکه بر هم تأثیر گذاشته باشند که در این باره، در این پژوهش، سه ایزد مهم ارمنیان و ایرانیان باستان بررسی شده اند. در این مقاله به هر کدام از این سه ایزد ایران باستان و ارمنستان باستان پرداخته شده و تشابهات و تفاوت های آنها بررسی شده است.

اهورامزدا در ایران

اهورامزدا

اهورامزدا واژه ای است اوستایی که از دو کلمه ahura و mazda تشکیل شده است. ahura اسم مذکر اوستایی است که مشتق از ریشه ah به معنی «بودن» (Bartholomae 1905: 260) به همراه پسوند -ra- از صورت ایرانی باستان- *ratai است و mazda- از دو ریشه man + dah تشکیل شده است (Ibid: 1182). در زبان پهلوی ohrmazd گفته می شود (Nyberg 1381: 143) و در زبان فارسی مزدا را دانای هرمز، اورمزد و هرمزد می گویند. هراچیا آچاریان^۱ - زبان شناس ارمنی- اهورا را به معنی «خدا، صاحب و سرور» و مزدا را «دانای متعالی و خردمندی اعلی» تفسیر کرده است. در متون زرتشتی نیز، این واژه به معنی سرور دانا و خردمند تفسیر شده است. «از نظر زرتشتیان، اهورامزدا، ایزد برتر، آفریننده خلقت و سرور عقل است و وجود نیرو با مینوی مضمحل در تفکر و اندیشیدن را مسلم می دارد. در یکی از

1. Acharian

گات‌ها زرتشت می‌گوید: «آن‌گاه که تو در آغاز دین ما را بیافریدی و از منش خویش ما را خرد بخشیدی»، (ویدن گرن ۱۳۷۷: ۵۰۳). در اوستا به عنوان: *daδvah*، *dātar* و در پهلوی *day- dādar* معرفی شده است. (Russell 1987a: 153). او سازنده همه چیزهای خوب است، او پدر همه ایزدان است. او پدر امشاسپندان است. (Ibid: 153). اگرچه اهورامزدا کاملاً خوب است، اما او قادر مطلق نیست. او نمی‌تواند از دشمن در فاسد کردن مخلوقات خویش جلوگیری کند. یعنی اهریمن محدود است، اما زمانی خواهد رسید که بدی مغلوب شود و اهورامزدا با قدرت مطلق فرمانروایی کند (بهار ۱۳۸۱: ۱۶۹). او یک نیروی جنگی بر ضد دشمن و جنگ‌های کیهانی است. او رئیس همه جهان، به‌ویژه نگهبان شاهان و رئیس دائمی دنیاست (Russell 1987a: 155). ویژگی او خرد است؛ او کسی است که نه فریب می‌خورد، نه می‌فریبد. او سرور بخشنده و خیر مطلق است، او که پدر و مادر آفرینش است، سیر خورشید و ماه و ستارگان را ساخته است. او بوده و هست و خواهد بود. او جاودانه است. تختش در عرش اعلی، در نور آسمانی جای دارد. در آنجا درباری دارد؛ فرشتگانی در خدمت اویند و اوامرشان را اجرا می‌کنند. در نظر زرتشتیان اورمزد برتر از کل خیر مطلق است و با بدی هیچ‌گونه ارتباطی ندارد. اهورامزدا سرچشمه همه نیکی‌هاست، روشنایی، زندگی، زیبایی، شادی و تندرستی. او نیرویی است در پس هر سریری و سرچشمه الهام همه راستی‌هاست و نماد زمینی او مرد پارسا است. (جان هینلز ۱۳۷۵: ۶۹-۷۰)

داریوش در یکی از کتیبه‌هایش دست به نوآوری می‌زند و اهورامزدا را به عنوان پر عظمت‌ترین خدا معرفی می‌کند.

داریوش برای تاج و تخت خود، مدیون اهورامزدا است. اما به سبب برقرار کردن عدالت سزاوار آن بوده است. «در کتیبه بیستون (ستون چهارم، سطر ۶۱) اعلام می‌دارد: "اهورامزدا و سایر ایزدان موجود، به من یاری رسانده‌اند، زیرا

من نه دروغگو بوده‌ام، نه ستمکار و نسبت به ضعفای بیش از قدرتمندان خودکامه نبوده‌ام، زیرا با درستکاری عمل کرده‌ام". تجلیل از عظمت عالمگیر اهورامزدا عنوان چندین کتیبه در شوش و در نقش رستم است: "پروردگار بزرگی است اهورامزدا که این زمین و آسمان را آفرید، که انسان را، شادی برای انسان را آفرید و داریوش را شاه آفرید". (Kent 1952: 130)

در کتیبه «ب» نقش رستم، داریوش خود را این‌گونه معرفی می‌کند: با پیروی از اهورامزدا، او یار عدالت است و با کسانی که دروغ الهام بخششان است، هیچ‌گونه دوستی ندارد. (Ibid: 139)

از دیدگاه تاریخ دین، کتیبه مهمی وجود دارد که در آن خشایارشا اعلام می‌دارد که «در میان این کشورهای (در حال شورش) کشوری بود که در گذشته و در آنجا دیووها^۱ را می‌پرستیدند. سپس به یاری اهورامزدا، من معبد دیووها را نابود ساختم و اعلام نمودم: باشد که کسی دیوها را نپرستد. در آن جا که در گذشته دیووها را پرستش می‌کردند، من اهورامزدا را پرستش خواهم کرد». (Ibid: 151)

در قطعه‌ای دیگر از این کتیبه، ما با تصور هخامنشیان از زندگی پس از مرگ آشنا می‌شویم که تنها اطلاعات موجود در این باره است:

هرکس از دستورات اهورامزدا پیروی می‌کند و اهورامزدا را می‌پرستد، در زندگی شاد و پس از مرگ آمرزیده خواهد بود. (Ibid: 151)

براساس متن پهلوی، ساسانیان اهورامزدا را در نقش برجسته‌ها به شکل مرد (مذکر) به تصویر کشیده‌اند. پس می‌توان گفت ساسانیان، اهورامزدا یا خدای برتر را به شکل مرد قدرتمند به تصویر کشیده‌اند.

آرامازد در ارمنستان

در ارمنستان ایزد معادل اهورامزدا، آرامازد^۲ است. ترکیب دو کلمه (اهورا+)

1. daēva

2. Aramazd

مزدا) مربوط به واژه اهورامزدا، در یک کلمه در کتیبه داریوش مربوط به قرن پنجم پیش از میلاد دیده شده است. اما در متن‌های اوستایی این دو کلمه جدا هستند. در میان ارمنیان، آرامازد به صورت یک کلمه و از ادغام دو کلمه اهورامزدا به معنی پروردگار خرد نزد هخامنشیان آمده است. آرامازد وام‌واژه‌ای از زبان پارسی است. (Meillet 1978: 25, Russell 1987a: 157). از صفات رایج آرامازد؛

شجاعت، بزرگی و قوی بودن است. (Russell 1987a: 157, Agathangelos 1976: 106)

آرامازد خدای رعدوبرق است. به ارمنی آمپریان^۱ گفته می‌شود. (خورناتسی ۱۹۸۲: ۸۶). آرامازد پدر امشاسپندان است (Russell 1987a: 157, Agathangelos 1976: 786). او پدر همه ایزدان به‌ویژه آناهیت، مهر و نانه، دهنده برکت و فراوانی است.

(Russell 1987a: 158, Agathangelos 1976: 58-61-106-590-591-593)

او خالق آسمان و زمین، پدر خدایان، فراهم‌کننده همه چیز و بخشاینده است که در تطابق کامل با اصل زرتشتی است. (Russell 2004: 378). او نه تنها خالق همه مخلوقات است بلکه، خالق ایزدانی است که از نظر رتبه از او پایین‌ترند (Russell 1987a: 159). او شخص مهمان‌نوازی است (Agathangelos 1976: 836). او یک ایزد جوانمرد و مرد جنگی بوده که به وسیله خاندان سلطنتی تقدس می‌شده است. (Russell 2004: 374)

فرزند بزرگ آرامازد شجاع، آناهیت است (Ibid: 53). پس از پذیرش مسیحیت به‌وسیله ارمنیان به عنوان دین رسمی، گریگور^۲ مقدس، معابد مهر (که پسر آرامازد است) در باگایاریچ^۳ را خراب می‌کند. پس مهر پسر آرامازد است. (Russell 2004: 378)

دوشن گیمن به نقل از آنانیکیان^۴ بیان می‌کند که من تمام آنچه را که در زیر

1. Ampropayin

2. Grégoire

3. Bagayarič

4. Ananikian

2. Kund Aramazd

3. Bald Aramazd

(زمین) می آید، از او گرفته ام. (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۲۹۷). تیرداد سوم، پادشاه ارمنستان، از آرامازد جوانمرد، فراوانی را طلب می کند. (Russell 1987a: 158)

موسی خورناتسی بیان می دارد که از نظر اسطوره شناسی هیچ چیزی همچون آرامازد وجود ندارد. او علیه وجود آرامازد جدل می کند. او می گوید:

در میان آنهایی که آرامازد خواهند بود، چهار نفر هستند که نام یکی از آنها کند آرامازد^۱ که به معنی «کچل» می باشد، دیگری بالدا آرامازد^۲ که ممکن است زئوس فلکرس^۳ یعنی «کچل» که اشاره به مجسمه زئوس است و گفته می شود در آگوس^۴ وجود داشته است. این چهار آرامازد ممکن است اشاره به چهار روز ماه زرتشتی که بعد از اهورامزدا می آید، باشد. (Bailey 1955: 72) و (موسی خورناتسی ۱۹۸۲: ۱۲۲)

پرستشگاه عمده آرامازد در منطقه مسکونی موسوم به "آنی" در داراناقی (اماکن تدفین شاهان) در هایک علیا (Agathangelos 1976: 59) و همچنین در روستای باگاوان در باگرواند است. (Ibid: 612). یکی دیگر از پرستشگاه های آرامازد در ساحل رود "کور" در ناحیه ای موسوم به "متسخت"^۵ قرار داشته است. تندیس آرامازد در یک نقطه بلندی از یک معبد قرار داشته است (نوری زاده ۱۳۷۶: ۲۴۰). دیگر پرستشگاه آرامازد بر فراز کوه پاقاتو قرار داشت (Alishan 1895: 179). آیین او در همه معابد انجام می شده، به ویژه در آنی و باگروان که دو معبد سلطنتی کشور بوده است. ارمنیان مجسمه هایی از خدایان شان می ساختند و یا تصویرهای یونانی از غرب خریداری می کردند و در معابدشان قرار می دادند. (Russell 1987a: 157)

ایزدان و ایزدبانوان ارمنی جشن ها و مراسم آیینی خاص خود را داشتند. مراسم آیینی ویژه آرامازد در اوایل "ناواسرد"^۶ (در اولین ماه سال نو) برپا

1. Kund Aramazd

2. Bald Aramazd

3. Zeus Phalakros

4. Agus

5. Matskhat

6. Navasard

می‌شده است (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۲۵۸). نزد زرتشتیان روز ششم جشن سال نو زرتشتیان شروع می‌شود (در روز اورمزد از ماه فروردین) و این عدد شش به افتخار خلقت دنیا در شش روز به وسیله اهورامزدا است. (Russell 1987a: 160)

باید گفت آرامزد تنها در نام و برخی صفات که در بالا بیان شده است، با اهورامزدا همانند است و در بسیاری صفات ذکر شده، آرامزد، وجه اشتراکی با ایزد معادل خود در ایران باستان ندارد. این را باید گفت که هیچ ملتی نمی‌تواند ادعا کند که ایزدستان اساطیری‌اش کاملاً ملی بوده و عناصر عاریتی در آن نیست، بلکه می‌تواند ادعا کند که به ایزدان و ایزدبانوان عاریتی خود ویژگی‌های ملی بخشیده است، چنانکه اهورامزدا یا آرامزد معادل زئوس در یونان دانسته شده است و می‌توان ثابت کرد که با وجود اعتقاد آنها به چندین ایزد، همواره یک ایزد را در میان ایزدان، به‌عنوان ایزد برتر و سرور و او را خالق و آفریننده همه هستی می‌دانستند، چنانکه در ایران، اهورامزدا و در ارمنستان، آرامزد این نقش را بازی می‌کرده و هر دو در این صفت اساسی مشترک‌اند.

با کمی دقت می‌توان معنای واژه اهورامزدا «سرور عقل و دارای تجربه» را در نقش برجسته‌های ساسانیان به‌روشنی دید، چنانکه اهورامزدا را به صورت مرد پیر به تصویر کشیده‌اند.

ایرانیان باستان همواره در بلندی‌ها به عبادت و راز و نیاز با خالق می‌پرداختند و این عبادت سستی، دعا و سرودخوانی به درگاه اهورامزدا و دیگر ایزدان بوده است (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۳۴۴)، حال آنکه آرامزد را در معابدی خاص مانند معبد آنی، و دیگری در روستای باگاوان در باگرواند - دو معبد سلطنتی آرامزد بوده است - عبادت می‌کرده‌اند. (Agathangelos 1976: 612)

آناهیتا

«او زنی نیرومند، سپید، زیبا و خوش‌اندام است (یشت ۵، بند ۲)، با کفش‌های زرین و کمربندی بر میان و جبه‌ای پربها، پرچین و زرین در بر (یشت ۵، بندهای ۷، ۶۴، ۱۲۶). او برسم در دست، گوشواره‌ای زرین بر گوش و تاجی با یکصد گوهر بر سر دارد (یشت ۵، بندهای ۱۲۷، ۱۲۸). او در میان ستارگان به‌سرمی‌برد (یشت ۵، بند ۸۸) و گردونه او را چهار اسب نر می‌برند (یشت ۵، بندهای ۱۱، ۱۳) که باد، باران، ابر و تگرگ‌اند (یشت ۵، بند ۱۲۰). برای پیروزی بر دیوان و دشمنان باید از او یاری خواست (یشت ۵، بندهای ۲۳، ۲۶، ۴۶، ۵۰). [او] صورتی زیبا، بازوان سپید به ستبری شانه‌ اسب و سینه‌های برآمده دارد و در حالی که کمربندی تنگ به کمر بسته، بر گردونه خویش سوار است و چهار اسب هم‌رنگ و هم‌قدر او را در دست گرفته و می‌رانند. (یشت ۵، بند ۱۱-۱۳) اسب‌ها و گردونه او باد، ابر، باران و شبنم هستند (یشت ۵، بند ۱۲). آناهیتا گوهرهای گران‌برخود دارد و تاجی چون فرخی که بر آن صد گوهر تابناک آویخته است، بر سر دارد. او کفش‌های درخشان بر پای دارد و پوستی را که می‌درخشد به بر کرده است.» (بهار ۱۳۸۱: ۸۱)

«ایزدبانو اردوی سورا^۱ آناهیتا یعنی آب‌های نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌های روی زمین است. او منبع باروری بوده و نطفه همه نرها را پاک می‌کند. زهدان مادگان را تطهیر می‌کند و شیر را در پستان مادران پاک می‌سازد (یشت ۵، بند ۲). او دانه‌ها و سرزمین‌ها را زیاد می‌کند (یشت ۵)» (همان: ۸۱)

اگر در متن‌های ایرانی، آناهیتا دختر اهورامزدا است، در یشت پنجم فقط او را الهه آب می‌دانند. (Russell 1987a: 244). آناهیتا یک همکار آرمیتی، نگهبان زمین

1. arədvī surā Anāhītā

است (Ibid). در فارسی میانه آناهیت به عنوان بانو^۱ شناخته می‌شود که این عنوان در کتیبه‌های ساسانی دیده شده است. عنوان "بانو" در فارسی نو در میان زرتشتیان و مسلمانان استفاده شده است. برای آناهیت به عنوان یک ایزد مقدس قربانی‌هایی تقدیم می‌شده، همچنان‌که در *اوستا* در یشت ۵، بند ۱۵، ۲۱ توصیف شده و کاملاً قرار دادی هستند. (Russell 2004: 374)

در معبد بانوی پارس در شریف‌آباد یزد، گاو قربانی می‌شده و این احتمالاً به اردوی سورا آناهیتا، که الهه آب در جامعه زرتشتیان شریف‌آباد ایران بود، تقدیم می‌شده است (Russell 1987a: 215). به احتمال زیاد بسیاری از مکان‌های مقدسی که در کوهها و در نزدیکی چشمه‌سارها قرار دارند و «دختر» یا «بی‌بی» خوانده می‌شوند، روزگاری وقف آناهید بوده‌اند. زرتشتیان یزد امروز نیز دختر انسان را «آب ناهید» می‌خوانند. (Boyce 1985: 1002-1006)

آناهیتا در ایران

آناهیتا، ایزدبانوی زرتشتی اساطیر ایران باستان است. آناهیتا an-ahi-ta به معنی نالوده، پاکیزه (Bartholomae 1905: 126)، لقب آن در *اوستا* arədvī surā است. اردوی^۲، نام رودی است افسانه‌ای و سورا^۳ به معنی نیرومند است که صفت اردوی است و در بیشتر موارد با صفتی دیگر همراه است و آناهیتا^۴ است به معنی پاکیزه که در پهلوی آناهید^۵ (Nyberg 1381: 17) و در پارسی ناهید می‌شود. اردوی به معنی پربرکت و حاصلخیز است. (بهار ۱۳۸۱: ۸۰). آناهیتا بسیاری از آیین کهن‌ایزدان هند و ایرانی را حفظ کرده است. در هند یک ایزدبانوی رودها

1. bānūg

2. Arədvī

3. sūrā

4. ahāhita

5. anāhid

- سرسوتی^۱ - وجود دارد که گاه با اشوین‌ها تداعی می‌شود. از سوی دیگر لقب‌های او را پاک، قهرمان و مادرانه تعریف می‌کند که به معنی سه کارکردی بودن، بوده‌است. دومزیل^۲ و لومل^۳ نشان داده‌اند که آناهیتا مترادف ایرانی سرسوتی است (Dumezil 1952: 405) و هر دو از یک ایزدبانوی هند و ایرانی نزول کرده‌اند و نام سه تایی کامل آناهیتا، اردوی سورا آناهیتا «مرطوب، نیرومند، بی‌گناه» به روشنی به سه کارکرد اشاره دارد (دوشن‌گیمن ۱۳۸۱: ۲۳۶). آناهیتا، ایزد باروری بوده و ظاهراً با ایزدبانوی بابلی یا عیلامی نانه^۴ و بعدها با آرتمیس^۵ یونان، ایزدبانوی جانوران ددخو، همانند است (همان: ۲۳۶). اردویسورا آناهید الهه و مظهر آب‌هاست که پیوسته نزد ایرانیان مقدس بوده است. یشت پنجم و یسنه ۶۵ دربارهٔ او و آب‌هاست. وجود او بنا به این یسنه و یشت در امر زادن مردمان مؤثر است (بند ۲). هرمز او را می‌ستاید، هوشنگ، جم، اژدی‌دهاک (ضحاک)، فریدون، گرشاسب، افراسیاب، و کاووس و دیگران برای او قربانی می‌کنند و از او برآوردن نیازهای خود را می‌خواهند. (یشت پنجم، بند ۱۷ تا ۴۷). (همان)

آناهیتا نزد هخامنشیان

در کتیبه‌های داریوش و خشایارشا نامی از ایزدبانو آناهیتا دیده نمی‌شود. این دو اهورامزدا را برترین سرور، بزرگ‌ترین خدایان می‌دانستند. اما وجود دیگر خدایان را انکار نمی‌کردند. در دورهٔ داریوش، وجود دیگر خدایان را افزون بر سرور دانا به رسمیت می‌شناسند. او آنها را «دیگرخدایانی که هستند» خطاب می‌کند. خشایارشا اهورامزدا را خالق زمین و آسمان و انسان و شادی می‌دانست، اما از زمان اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۴ پ.م) بود که نام ایزدبانو آناهیتا در کتیبه‌ها به همراه

1. srasvati

2. Dumézil

3. Lommel

4. Nané

5. Artemis

6. DB. 4. 61, 63

اهورامزدا و میترا آورده شد. گویند هنگامی که اردشیر دوم میترا و آناهیتا را به اهورامزدا مرتبط ساخت، در واقع گرایش توده‌های مردم را دنبال کرد. گیریشمن در این باره می‌نویسد:

دانشمندان برآند که دخول آیین آناهیتا به وسیله اردشیر دوم صورت گرفته است و پرستش پیکرهای او در معابد شوش، تخت جمشید، هگمتانه، بابل، دمشق، ساروس و بلخ می‌بایست به اتحاد همه اقوام تحت یک آیین مشترک که آثار آن تا مدتی دراز در میان ملل آسیای صغیر زنده ماند، یاری کرده باشد. (گیریشمن ۱۳۴۹: ۲۳۲)

مری بویس آغاز پرستش آناهیتا در دوره اردشیر دوم هخامنشی را «نوآوری پارس‌ها» می‌داند. اردشیر دوم در کتیبه‌ای که در شوش دارد، بیان می‌کند که ساخت قصرش را به لطف اهورامزدا، آنائیتیس^۱ و میترا می‌داند و از آنها می‌خواهد که او را از شر دشمن محافظت کنند (A²SA, Kent 1952: 154). اردشیر دوم رسماً آناهیتا را در کتیبه‌هایش می‌خواند. (A²SA, A²sd, A²Ha) بروسوس^۲، مورخ کلد، در این باره می‌نویسد:

اردشیر دوم نخستین کسی بود که تندیس‌هایی از آفرودیت - آنائیتیس را در بابل، شوش، اکباتان، پرسپولیس، بلخ، دمشق و سارد برپا کرد و ستایش او را در آن ممالک فترساخت. پس از او اردشیر سوم هم در کتیبه‌هایش از آناهیتا به همراه اهورامزدا و میترا نام می‌برد. (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۱۷۶)

در شمال صدفه تخت جمشید یک مجموعه بزرگ ساختمانی موسوم به «پرستشگاه فرتداره» متعلق به روزگار اردشیر دوم وجود داشته است و گمان می‌رود که این مجموعه یکی از بنیادهای شاه برای آناهیتا بوده است. (بویس ۱۳۸۶: ۹۰)

آناهیتا نزد اشکانیان و ساسانیان

پارتیان همانند هخامنشیان به پرستش اورمزد، مهر و آناهیتا به عنوان اصلی‌ترین

1. Anāitis

2. Berossos

ایزدانشان پرداختند. نام آب‌ناهِید^۱ نخستین بار در دوران پارتيان به چشم می‌خورد. در دوره پارتي آناهید بسیار محبوب بود. از زمان اردشیردوم اعتقاد به ناهید در میان این سه ایزد، اهمیتی بیشتر یافته بود و آن در زمان پارتيان هم در درجه اول قرار داشته است. (گیرشمن ۱۳۴۹: ۳۲۱)

در میان اشکانیان، عناصری مانند آب، آتش و غیره بسیار مورد ستایش بوده‌اند. پارتيان آب و رودخانه‌ها را ستایش و از مسافرت‌های دریایی به شدت پرهیز می‌کردند، زیرا بیم آن داشتند که آب را آلوده کرده و رب‌النوع آن‌ها را آزرده‌خاطر گردد. (خدادادیان ۱۳۷۹: ۲۵۶)

پرستش آن‌ها در دوره ساسانی نیز همچون دوره هخامنشی و پارتي رونق داشت. اما در دوره ساسانی برای ایزدبانو تندیس ساخته نمی‌شد و به جای آن در بناهای مقدس آتش مقدس می‌نشانند. بدین‌سان کیش شمایل پرستی که اردشیر دوم هخامنشی وارد دین زردشتی کرد، سرانجام با اقداماتی که ظاهراً اردشیر اول ساسانی آغاز کرد، به پایان رسید. (بویس ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۷)

به عنوان نمونه، در نقش رستم، نرسه نقش برجسته‌ای دارد که در آنجا خود را سرسپرده آن‌ها اعلام می‌کند. او در این نقش برجسته در حال دریافت نیم‌تاج از این ایزدبانو که آراسته به تاج و ردایی کامل است، تصویر شده است. در طاق بستان در نزدیکی همدان، خسرو پرویز آخرین نقش برجسته ساسانی از صحنه اعطای منصب را ساخت. وی در حال دریافت تاج شهریار از اهورامزدا است و پشت سر او ایزدبانوی پشتیبان این سلسله تا آخرین روز ایستاده است که آب‌های جهان را به صورتی نمادین از کوزه‌ای کوچک می‌ریزد. در دوره ساسانیان آتش‌های مقدس را به نام ایزدبانو آن‌ها برپا می‌کردند.

1. Ab-Nāhīd

به‌عنوان نمونه آنان در استخر آتشی نشانده و آن را به آناهید تقدیس کرده بودند و در یک کتیبه ساسانی سده سومی، از آنان به عنوان «آتش آناهید بانو» یاد می‌شود. شاپور اول، یکی از دخترانش را به افتخار این آتش، آدوراناھید، نام نهاد. در زمان بهرام دوم، موبد بزرگ کرتیر، خود را صاحب اختیار آتشکده آناهید اردشیر و آتشکده آناهید بانوگ معرفی می‌کند.

شاپور اول آتشکده‌ای در بیشاپور ساخت که به سبب ویژگی‌های منحصر به فردش آن را آتشکده‌ای از آن آناهید می‌دانند. نرسی در کتیبه خود در پایکولی چنین می‌نویسد: «... آناهید که بانو خوانده می‌شود.» (Boyce 1985: 1002-1005). در زمان هخامنشیان یک معبد آناهیتا در بلخ و دیگری در کنگاور بوده است. (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۲۶۷)

آناهیت در ارمنستان

دو ایزدبانوی آناهیتا *anāhita* (Bartholomae 1905: 126) (پهلوی، *anāhid*) در ارمنی «آناهیت» و نانه^۱ (یا *Nāna*، ارمنی: *Nāna*) به‌طور گسترده‌ای در ایران و در کشورهای غرب و شرق در زمان‌های پیش از اسلام وجود داشته است. این دو ایزدبانو در ارمنستان پرستیده می‌شدند. اما آناهیت به تنهایی به عنوان یک ایزد زرتشتی به رسمیت شناخته شده است.

به نظر می‌رسد بسیاری از ویژگی‌های ایزدبانوی مادر طلایی از آسیای صغیر مشتق شده است، چرا که در کتیبه کرتیر (خط هشتم) او به نام مادر طلایی شناخته شده است (Russell 1987a: 235) (Agathangelos 1976: 809). احتمالاً آیین پذیرش ایزدبانو در بین‌النهرین بوده است و پارسیان آن را از عیلامی‌های جنگجو گرفته‌اند. در سغدی ایزدبانویی به نام *nnynanai* یافت شده و *Nanai* الهه شهر

1. Nanē

پنجکینت^۱ بود و «خانم» نامیده شده است. (Russell 1987a: 239)

آناهیت نزد ارمنیان اهمیت بالایی داشته است. به شهادت استرابون، پلینی و پلوتارخ، پیش از آگاتانگوس و خورناتسی، محبوبترین ایزدان، آناهیت بوده است. دانشمندان ریشه‌شناس هنوز به نظریه واحدی درباره ریشه واژه آناهیت نرسیده‌اند و اختلاف نظرهای زبان‌شناسانه موجود، گاه به نتیجه‌گیری‌های کاملاً متضاد می‌انجامد.

دیر زمانی این نظریه حاکم بود که آناهیت ارمنی از واژه پارسی باستان آناهیتا به معنی نالوده، پاک، بی‌آهو مشتق شده است. برخی بر این باورند که آناهیت منشأ سامی دارد و برخی معتقدند که واژه آناهیت از نام آنونیتوا، ایزدبانوی بابلی گرفته شده است. نظریه دیگری چنین اعلام می‌دارد که واژه آناهیت از نام ایزدبانو آماتو مشتق شده است. (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۲۵۹-۲۶۰)

بنابر آگاتانگوس، آناهیت خیرخواه نژاد بشر، ملکه بزرگ، مادر همه خردها و فره ارمنستان است (Agathangelos 1976: 51). او زندگی‌بخش، مادر اعتدال، دختر آرامازد و مادر همه خردهاست. (Ibid: 52)

بر طبق استرابون شواهدی وجود دارد که از زمان‌های خیلی زود آناییتیس^۲ (آناهیتا در اوستا و کتیبه‌های فارسی، آناهیت ارمنیان کلاسیک) در اریز^۳ در ارمنستان غربی عبادت می‌شده است.

آناهیت ایزد باروری بوده و ظاهراً با ایزدبانوی بابلی یا عیلامی Nane و سپس با آرتمیس، ایزدبانوی جانوران ددخو، همانند است (دوشن‌گیمین ۱۳۸۱: ۲۳۶). مجسمه‌های طلایی آناهیت در پایتخت در آرتاگراتا^۴ و آرتاشات^۵ و در مزر تارون^۶ وجود داشته است. با استناد به این مدارک می‌توان گفت آناهیت

1. Panjikant

2. Anaitis

3. Erez

4. Artaxata

5. Artašat

6. Taron

ایزدبانوی قدیمی در ارمنستان است. او به عنوان محافظ و مشاهده‌کننده زندگی طلب شده است (Agathangelos 1976: 106). او همچنین مادر طلایی نامیده می‌شده است (Ibid: 607). مجسمه‌های طلایی به او هدیه شده است (Ibid: 591-607). او دهنده زندگی است، در میان بچه‌هایش زندگی کرده، به عنوان مادر بزرگ و ایزد کشت و آب‌های زندگی بخش رودخانه‌ها و چشمه‌ها است (Russell 1987a: 253). راسل بر این باور است که نانه و آنهیت در بسیاری از موارد شریک‌اند. (Ibid: 263). موسی خورناتسی به آنهیت فقط به‌عنوان آرتمیس اشاره می‌کند و هرگز آن را با نام ایرانی و یا ارمنی‌اش ننموده است. مجسمه آنهیت در آرام‌ویر مورد احترام است. این مجسمه از آرام‌ویر به شهر مقدس باگران و بالاخره به آرتاشات منتقل شد. شالوده این معبد در اریز به تیگران نسبت داده شده است. (Ibid: 248)

ارمنیان معابدی در اکیلیسن^۱ داشتند. در تیلادامپرادا^۲ در اطراف فرات، یک معبد آنهیتا نیز وجود داشته است. بنا به نظر آگاتانگوس، آنهیت معابدی هم در آرتاشات، در تیل (Agathangelos 1976: 584) و در یشیشات^۳ (در شمال غربی وان) وجود داشته است. (Ibid: 606)

گفته شده است تندیزی از آنهیت در مرز آنزواتزس^۴ نزدیک سنگ بلک‌سمیت^۵ وجود داشته است. (Alishan 1895: 50)

بنا به نظر آلیشان، جشن آنهیت در روز پانزدهم نوامبر برپا می‌شده است. روز نوزدهم هر ماه به او نسبت داده شده است. (Alishan 1895: 143 & 269)

بنا به عقیده برخی، پرستش آنهیت در ارمنستان از دین زرتشتی آمده است. اگرچه ایرانی‌ها بت نداشتند و بت پرست نبودند، ولی به قول هرودوت، اردشیر با حافظه (۳۱۶ - ۴۰۴ ق.م) امر کرد که ایرانی‌ها برای آنهیت مجسمه‌ای بسازند

1. Akilisene 2. Tiladamprada 3. Yaštišat
4. Anzavatzs 5. Black Smith

و آن را پرستش کنند. زیرا یکی از تاریخ‌نویسان قدیم یونان (برسوس) روایت می‌کند که این شاه مجسمه‌هایی از او در شهرهای دوردست بابل، دمشق، همدان، سارد و شوش برپا کرده بود (جان هینلز ۱۳۷۵: ۱۳۷). آناهیت در برابر آرتامیس اساطیر یونانی است که الهه عفاف و پاکدامنی است. این ادعا از کلمات تیرداد پادشاه ارمنستان به خوبی ثابت می‌شود. بانسوی بزرگ آناهیت که فرملت ماست، او مادر همه گونه خرد و هوش است و دختر آرامزد بزرگ و دلیر.

(Abrahamyan 1979: 100-109)

هتریسیم یا روسپی‌گری مقدس

حال اینکه آیا می‌توان باور کرد که همین ایزدبانویی که الهه عفاف و پاکدامنی است، روسپی‌گری‌های مقدس در اطراف خود وجود داشته است. آیا این روسپی‌گری در ایران وجود داشته و یا در ارمنستان اطراف الهه آناهیت بوده است. هتریسیم که در آغاز گونه‌ای آیین پرستش ایزدان اساطیری بود، در یونان، ارمنستان، آشور، بابل، ... رواج داشت. چنانکه ایشتر، که ایزدبانوی عشق و جنگ و ایزدبانوی بامداد و شامگاه بوده و با سیاره ناهید یکی شمرده شده است، در این مقام در پرستشگاه‌های او، روسپی‌گری مقدس بخشی از آیین ایشتر بوده است و هنگامی که او به زمین می‌آمد، روسپی‌ها و هرزگان در رکابش بودند. ایشتر را روسپی ایزدان نیز دانستند. مراسم ویژه این باور اساطیری در ارمنستان در پرستشگاه آناهیت برپا می‌شد. اما هیچ اثباتی در این باره وجود ندارد و نویسندگان مسیحی در این باره چیزی ذکر نکرده‌اند. مراسم مربوط به هتریسیم در پرستشگاه‌های ایزدبانوی باروری در ایران پیش از ورود آریاییان است که به جا مانده از دوران مادرسالاری در ایران پیش از آریاییان بود. (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۲۶۷ و ۲۶۸)

چنانکه استرابون می‌نویسد و عکس آن، در زلا آیین‌های مقدسی که انجام می‌شود، پاکی و حرمت بیشتر دارد. او می‌نویسد: «در زیارتگاه ایرانی رسم بر این بود و تنها یک روز در سال عیاشی توأم با شهوترانی مجاز می‌باشد. در روز پی‌افکندن معبد که مطابق با روز شکرگزاری و پیروزی بر سکاها بود، جشنی می‌گرفتند که سکایا نامیده می‌شد. ضیافتی می‌دادند که مردانی که لباس سکایی پوشیده بودند، شبانه‌روز شراب می‌نوشیدند و با یکدیگر شهوترانی می‌کردند و همچنین با زنانی که در شراب خوردن آنان شرکت می‌کنند و او اضافه می‌کند این عیش [را] در هر جا که این الهه آناهیت معبدی داشت، می‌گرفته‌اند». (بویس ۱۳۷۵: ۳۶۹)

ویدن‌گرن اضافه می‌کند که عجیب آن است که باکره‌های اکیلیسن وقف بر آناهیت می‌بایست از عفت خود به خاطر این ایزدبانو گذشت کنند. او اعتقاد دارد که این وقف افراد به معبد کاملاً ایرانی است. (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۸۹). در جواب این پرسش که آیا این یکی از مشخصات مناسک ایرانی است؟ باید گفت که نمی‌توان آن را مطلقاً انکار کرد (دوشن‌گیمن ۱۳۸۱: ۲۹۶) که آیا این کار نیز در ایران اجرا می‌شده یا نه. همه متن‌های دینی، روسپی‌گری را با تندترین کلمات، زشت شمرده‌اند، اما بعضی برآنند که این تقبیح‌ها خود دلالت بر این دارد که این کاری معمول بوده است. به نظر جان هینلز نادرست است که بر این عقیده بایستیم که پیرامون این بانوی آبها آیینی آمیخته با هرزگی وجود داشته است، زیرا از کاهنه‌هایی سخن رفته است با تعهد پاکدامنی که در خدمت او بوده‌اند. (جان هینلز ۱۳۷۵: ۳۹ و ۴۰)

پس چنانچه دیده شد آناهیتا در ایران و آناهیت در ارمنستان هر دو دختر اهورامزدا و آرامازد، ایزدبانوی آبها، ایزد بانوی باروری و حاصلخیزی و برکت و مادر طلایی هستند. قربانی‌هایی در هر دو کشور به ایزدبانو تقدیم می‌شده است.

هر دو معابدی داشتند. معابد آناهیتا بسیار ثروتمند و غنی بودند و شاید بتوان گفت یکی از علت‌های گسترش بیش از حد آناهیتا در سراسر جهان به خاطر ثروت‌های هنگفتی بود که معابد این ایزدبانو داشت.

مهر

در میان ایزدان زرتشتی میترا یا مهر^۱ اوستا (Bartholomae 1905: 1183)، پهلوی mihr (Ngberg 1381: 132) است که بزرگ‌ترین توجه را به دلیل مذهب میترایسم به خود جلب کرده است. براساس متن پهلوی، میترا، داور آسمانی، دادوری و میانجیگی^۲ است. (بویس ۱۳۷۵: ۵۸۴)

مهر ایزدی هند و ایرانی بود. نام او در هند، میترا به معنای "دوست"، در اوستا به معنی "پیمان" و در فارسی به معنای دوستی، خورشید و محبت است. پرستش او در غرب تا شمال انگلستان و در شرق تا هند گسترش داشته است و یک مذهب مهم در امپراتوری روم در طی قرن‌های اولیه مسیحیت بوده است.

مهر در ایران

مهر همراه با خدای دیگری (ورونه) به معنی «سخن راست» به صورت ترکیب «میتره ورونه» به یاری خوانده می‌شد. مهر چنان مقام والایی در میان ایزدان ایران باستان داشت که نامش با نام هرمزد، ایزد بزرگ و آناهیتا یکی برده می‌شد (جان هینلز ۱۳۷۵: ۱۱۹). ایزد مهر، ایزدی است که سه وظیفه موبدی، جنگاوری و برکت‌بخشی دارد. او همچنین ایزد رهایی‌بخش است که هر از گاهی بر زمین می‌آید تا با کشتن گاو (در آیین مهری) یا با رهبری کردن مردم (در آیین مانوی) نعمت و نجات را ارزانی مردم دارد. (بهار ۱۳۸۱: ۲۲۶)

1. miθra

2. myānjīgīh

مهر مانند میتره در هند کاخی دارد که آن را آفریدگار ساخته است و در آن، مهر در گردونه خویش که چهار اسب سفید نامیرا آن را می‌کشند و نعل آنها از زر و سیم است، به پیش می‌راند. میتره در کیش زرتشت، ایزدی سترگ و هزار چهره است که حتی تا به امروز عمیق‌ترین احترامات نسبت به او ادا می‌شود. به هنگام سوگند به او قسم می‌خورند. امور حقوقی در ظل حمایت او برگزار می‌شد و به هنگام رسیدگی به دعوای قضایی و مجامع همگانی، او را فراخوانی می‌کردند (بویس ۱۳۷۵: ۵۸۲). در ایران سرود مختص مهر، مهریشت در دست داریم:

نه شب وجود دارد و نه تاریکی، نه باد سرد و نه باد گرم، نه بیماری مرگ‌آور و نه پلیدی که خدایان شریر آنها را آفریده‌اند.» (Gershevich 1959: 9)

او از نظم و راستی محافظت می‌کند. به داوری روان پس از مرگ می‌پردازد. جنگجوی توانای نیرومند با نیزه‌ای سیمین، زرهی زرین و شانه‌های ستبری است که شر خدایان شریر را در هم می‌کوبد و روح مخرب (اهریمن) همه خدایان شریر مافوق‌الطبیعه ترسناک به پس می‌گریزند. (Ibid: 121) براساس یشت ۱۰ که به میتره اختصاص داده شده است، «او پروردگار چراگاههای وسیع، ایزد پیمان‌ها، ایزد جنگ‌آوران و ایزد طلوع است که از فراز کوه البرز (هرا) سر بر می‌آورد. با یک نگاه تمام سرزمین‌های آریایی را از نظر می‌گذراند. پشت به سوگندشکنان بی‌رحم است. او برای سایرین پیروزی و وفور نعمت به همراه می‌آورد، سبب بارش باران و نزول وفور نعمت می‌شود، خبرچینان بسیاری در خدمت دارد، با اربابه‌ای که اشی او را هدایت می‌کند، سفر می‌کند و در پیشش ورثرغنه (ایزد پیروزی) در شکل گراز می‌راند. او دادگستری فریب ناپذیر است، یاری‌بخش کسانی است که او را فرا می‌خوانند و شفادهنده‌ای است که هومه در کوه هرا پرستش می‌کند. او مسلح به آذرخش است که حتی انگره‌مینو از آن بیم دارد. در

سمت راستش سرنوشه^۱ و در سمت چپش وشنو^۲ و گرداگردش را آب‌ها، گیاهان و فره‌وشی‌های درستکاران فرا گرفته‌اند. با اسبان سفید می‌جنگد، در همه جا به کسانی که پیمان‌ها را زیر پا می‌گذارد، می‌رسد. او را باید پس از سه روز و سه شب تزکیه نفس پرستش کرد. ارباب‌اش را که ستاره‌ها زینت می‌بخشند، ساخته دست ارواح است. (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۵۹)

در دین زرتشتی، مهر نقش بسیار مهمی در مناسک دینی بر عهده دارد. مقدس‌ترین مناسک همه با حمایت او اجرا می‌شود. یکی از جشن‌های بزرگ که مهرگان نام دارد، جشنی است به افتخار مهر، داور سرزمین ایران. این جشن هنوز در میان زرتشتیان به مدت ۵ روز همراه با شادمانی بسیار و دلبستگی باطنی برگزار می‌شود.

در تقویم زرتشتی در روز مهر از ماه مهر^۳ یعنی روز شانزدهم از ماه هفتم (ماه مهر) جشن گرفته می‌شود. اما در تقویم ارمنیان روز هشتم ماه هفتم بود که با تغییر تقویم به روز ۲۱ تغییر یافته است (Taqizadeh 1940: 642, Russell 1987a: 262). آخرین روز مهرگان بزرگ^۴ نامیده می‌شود. (Russell 1987a: 262)

مهر نزد هخامنشیان، پارتیان، ساسانیان

در سنگ‌نوشته‌های اردشیر دوم و سوم به خط میخی به زبان فارسی باستان، ما نام مهر را می‌بینیم. از سوی دیگر، به‌واقع صورت فارسی باستان نام‌های خاص، Miça وجود ندارد، ولی شکل ادبی آن miθra است. (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۱۶۲). میترا را نخستین بار اردشیر دوم (۴۰۵-۳۵۹ ق.م) نام برده است. در سنگ‌نوشته‌های «B,A» شوش و «A» همدان، میترا با اهورامزدا و آناهیت به یاری طلب شده

1. Sraoša

2. Rašnu

3. mihroz

4. Great mihrgah

است. در سنگ‌نوشته اردشیر سوم (۳۳۸-۳۵۹ ق.م) در تخت جمشید از اهورامزدا میترا نام برده شده است. (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۱۷۲-۱۷۵). در تخت جمشید در دو کتیبه از اردشیر دوم، از سه ایزد اهورامزدا، آناهیتا و میترا نام برده شده است. (Russell 1987a: 269). در سنگ‌نوشته‌های شاهنشاهان نخستین هخامنشی، از میترا نامی برده نشده است. در زمان‌های دیرتر در عهد داریوش (۴۰۵-۴۲۴ ق.م) نام‌های مشتق از نام خدا در مدارک میخی با جزء میتره به چشم می‌خورد، مانند میتره داته، میتریدات. میترا خدای بسیار مهمی در پارس بود و این اهمیت را از پیش در زمان داریوش اول و شاهنشاهان نخستین هخامنشیان داشت. او پس از اهورامزدا قرار می‌گرفت و آیین او بیشتر مادی بود تا پارسی. نادرست است که بگوییم پرستش او در شاهان هخامنشی تنها در زمان اردشیر دوم تأیید شده است. به یقین به نظر می‌رسد که در آغاز جایگاه وی دست کم در کنار اهورامزدا بود. اما به زودی پس از او و در زیرقرار گرفته است. اهورامزدا و میترا خدایان وظیفه نخست هستند. از سوی دیگر، میترا ارتباط‌های به ویژه تنگاتنگ با دومین وظیفه دارد. (همان: ۱۷۵-۱۷۱). در زمان هخامنشیان جشن بزرگ میترا باشکوه برگزار می‌شد. (همان: ۱۷۵). در ایران، در دوره پارتیان، میترا خدای ارجمند از سلسله خدایان همچون دیگران بوده است. در دوره پارتیان میترا از نظر آیین‌ها با خورشید شناسایی شده که بزرگ‌ترین همه آتش‌های فیزیکی است و منبع نور که با این ایزد رفتار انسان‌ها را هدایت می‌کند (Russell 1987a: 262). میترا ایزدی بود حتی در بیرون از امپراتوری پارتی پرستیده می‌شده و قدر مسلم در آسیای صغیر موقعیتش قوی‌تر بوده است. در نتیجه پرستش، میترا توانسته است به سرزمین یونان و روم گسترش یابد. (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۳۱۲-۳۱۴)

میترا ایزدی مهم نیز نزد ساسانیان بوده است؛ اردشیر، شاه بزرگ ساسانی مهر را طلب می‌کند: «مهر خدای بزرگ» (Russell 1987: 262). مهرگان در ایران ساسانی،

دومین جشنواره از نظر اهمیت پس از نوروز است که به اورمزد تقدیم می‌شده است. (Ibid: 262)

در اساطیر ایران باستان بنا به شواهدی که در دست است، می‌توان شباهت این خورشید را ثابت کرد یا می‌توان گفت ایزدمهر، ایزدی است با منشأ خورشیدی (بهار ۱۳۸۱: ۲۲۶). داریوش سوم پیش از نبرد گوگمل به درگاه خورشید، میترا و آتش مقدس جاودان تضرع می‌کند که این تأکید مستقیمی است بر نزدیکی و تمایز بین این دو ایزد و پیوند مشترک آنان با آتش. ارتباط میترا را با خورشید به‌عنوان چشم او در انگاره اصلی میترا به‌عنوان پاسدار و نگهبان عهد یا پیمان می‌توان ردیابی کرد. (بویس ۱۳۷۵: ۵۸۴-۵۹۰)

مهر در ارمنستان

در ارمنستان، میترا از ایزدان بسیار محبوب و مورد علاقه و احترام فراوان ملت ارمنی بوده است. هایک علیا در شمال غربی ارمنستان، واسپوراکان، تارون، ساسون (جنوب ارمنستان) و سیونیک و آتوانک در شرق ارمنستان از مراکز عمده پرستش ایزد آتش و خورشید یعنی مهر بوده‌اند. محبوبیت او را وجود نام‌های مهران، مهرداد و مهر وزن تأیید می‌کند. ایزد مهر به حدی در ارمنستان محبوبیت داشت که جشن ویژه او هر سال در روز چهاردهم ماه مهگان ارمنی که برابر با ماه فوریه است، با شکوه بسیار برگزار شده است. یکی از روزهای ماههای ارمنی به نام این ایزد محبوب، مهر نامیده شده است. مهرپرستی پس از اشاعه مسیحیت در غرب ارمنستان چندان دوام نمی‌آورد و خیلی زود از میان می‌رود، حال آنکه در قسمت شرقی ارمنستان مدت طولانی دوام می‌یابد. نقش برجسته‌هایی که از آیین میترا در اروپا یافت شده، ممکن است که از سنت زرتشتی قربانی گاو تأثیر پذیرفته باشد. (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۲۴۹)

در زمان هخامنشیان جشن بزرگ میترا بسیار باشکوه برگزار می‌شد و در این دوران میترا در ارمنستان، اهمیت ویژه‌ای داشت. استرابون شرح می‌دهد که آن‌جا (در ارمنستان) نِیسایون^۱ را نیز پرورش می‌دهند و در عهد پارت، ساتراپ ارمنستان هر سال ۲۰۰۰۰ اسب برای جشنی موسوم به جشن مهرگان به ایران می‌فرستاد (ویدن‌گرن ۱۳۷۷: ۳۲۰)

تشابه ایزدمهر (میترا) با خورشید را می‌توان همچون در ایران باستان، در ارمنستان دید. تیرداد، شاه ارمنستان، میترا را احضار کرد. میترا نگهبان زرتشتی قراردادهای است که در کتیبه‌های یونانی درگارنی به‌عنوان هلیوس^۲ به معنی خورشید معرفی می‌شود. تاریخ‌دانان کلاسیک ارمنی چهار قرن بعدتر مهر را نه به‌عنوان هلیوس^۳ بلکه به‌عنوان هفایستاس^۴، خدای یونانی آتش، شناختند و به نظر می‌رسد برتری‌هایشان به‌وسیله واهانگن تحت‌الشعاع قرار گرفته شده است (Russell 1987b). مهر به وسیله موسی خورناتسی خدای خورشید^۵ نامیده شده است (خورناتسی ۱۹۸۲: ۳۰۱)، چنانچه مری‌بویس بیان می‌دارد یکی از عوامل عمده محبوبیت و برجستگی میترا در عصر هلنیستی، تداعی و ارتباط میترا با خورشید است. همان‌طور که یونانیان هلیوس، خدای آفتاب را پرستش می‌کردند، ایرانیان نیز هورخشته^۶ را با معنای «هور درخشنده» می‌پرستیدند. از همین واژه است که اسم فارسی معمول برای مفهوم آفتاب یعنی خورشید به‌دست آمده است. در همه زبان‌های ایرانی میانه دیده می‌شود که اسم میترا را به جای خود آفتاب به کار می‌بردند. در فارسی امروزی نیز گاهی مهر را به جای خورشید در شعر به کار می‌برند. میترا در ارمنستان معابدی دارد. در باگیاریچ (غرب کشور، در شمال شاخه غربی فرات از توابع "درجان" هایک علیا) یک معبد بسیار دیدنی اهدایی به

1. Nisaion

2. Helios

3. Helios

4. Hephaistas

5. Hephaistas

6. Hvarxšaēta

میترا وجود دارد که در سال ۳۰۰ میلادی هنوز برپا بود. (Agathangelos 1976: 790). باگایاریچ، اقتباس از ایرانی، در واقع باگیاوش (پرستش خدایان) است. این نام نشان می‌دهد که میترا در آنجا به نام 'بغ'، خدا، به حد کمال پرستش می‌شد. همچنان که که شیز^۱، در آذربایجان (مادآتروپاتن) مرکز پرستش او نزد بغ‌های مادی می‌بود. گارنی که از آثار باستانی ارمنستان به شمار می‌رود، یکی دیگر از پرستشگاه‌های مهر بوده است. در زبان ارمنی به پرستشگاه، مهیان، اطلاق می‌شد (Hubschman 1962: 194) که این خود نشان‌دهنده محبوبیت ایزدمهر میان ارمنی‌ها بوده است. (Agathangelos 1976: 515) و (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۲۴۹)

واهاگن در ارمنستان

از آنجا که ایزدان سه‌گانه در ارمنستان با ایزدان سه‌گانه ایرانی در این مورد متفاوت است (یعنی اینکه آرامازد، آناهیت و واهاگن ایزدان سه‌گانه ارمنی را تشکیل می‌دهد) (Agathangelos 1976: 799)، پس به طور خلاصه به بررسی واهاگن در ارمنستان پرداخته می‌شود.

واهاگن از یک کلمه فارسی میانه ساسانی مشتق می‌شود. در بسیاری از منابع ارمنی و اروپایی واهاگن با ورثراگنه یا ورثرغنه^۳ ایرانی و ایندیره که وجه اشتراکشان با واهاگن کشتن اژدهاست، همسان قلمداد شده است. به همین دلیل این نظریه پیش کشیده شده که ارمنی‌ها واهاگن را که شکل ارمنی نام‌های ورثرغنه، ورثراگنا، ورتراهن، وهرام و بهرام یزد پیروزی در اساطیر ایران باستان، است، از ایرانیان به عاریت گرفته‌اند. (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۳۷۵)

حال آنکه جان هینلز این نظریه را دارد که او برخلاف همتای هندی‌اش، ایندیره، و یا همتای ارمنی‌اش، واهاگن، اسطوره‌ای ندارد که در آن سخن از غلبه

1. bay

2. šiz

3. vərərayna-

بر غول یا اژدهایی در میان باشد. (هینلز ۱۳۷۶: ۴۲)

واهاگن در زمان‌های هلنیسم، با هراکلیوس^۱ مقایسه می‌شود و کشنده اژدها

نامیده می‌شود. (Agathangelos 1976: 606)

واهاگن در ارمنستان همتای ورثرغنه به معنی پیروزی، ایزد پیروزی در اساطیر ایران باستان و همتای ایندره در هند است. او مسلح‌ترین ایزد است (یشت ۱۴، بند ۱). بهرام یا ورثرغنه از مهم‌ترین ایزدان زرتشتی است. او نماینده نیروی غیرقابل مقاومت و خدایی جنگجوست. در یشت چهارده که به او اختصاص دارد، بهرام ده تجسم یا صورت دارد که هر کدام مبین نیروی پویایی این خداست (هینلز ۱۳۷۵: ۴۲). ورثرغنه یا بهرام یک اسطوره مقاومت در جنگ برخلاف شیطان تصور می‌شود. در زمان جنگ او محافظ مسافران، مریض‌ها و دیو زده‌ها است. او در ادبیات پهلوی، با ستاره مریخ برابر شده و آتش بهرام به نام اوست (یسنا ۳۴، بخش ۳) (Russell 1987a: 188). شاید به خاطر شخصیت او با پیروزی و عقاید زرتشتیان است که - برخلاف تاریکی و یورش دشمن، در برابر آفریدگان خوب اهورامزدا - در دوره ساسانیان بلندترین آتش‌های معابد به او هدیه می‌شود. ورثرغنه با میترا و رشنو^۲ متحد است. (Ibid)

بهرام پیشاپیش مهر در پرواز است: به صورت گراز نر وحشی پیشتاز با پنجه‌های تیز و دندان‌های پیشین تیز، گرازی که به یک حمله می‌کشد ... از پاهای پسین و پیشین آهنین، پی‌های آهنین، دم آهنین و فک آهنین دارد. (هینلز ۱۳۷۵: ۴۲)

واهاگن معابدی در ارمنستان داشته است. پرستشگاه عمده واهاگن در آشتیشات از توابع تارون ارمنستان قرار داشته و «عاشق آستغیک^۳» نامیده شده

1. Heracles

2. Rašnu

3. Astyic

است (خورناتسی ۱۹۸۲: ۸۸) (Agathangelos 1976: 607) در آن طلا و نقره بسیار وجود داشته است. شاهان و بزرگان هدایای بسیاری به این پرستشگاه می‌دادند. دیگر پرستشگاه واهانگن در جناح شرقی کوه واراکا در «واسپوراکان» در دهکده اهوکان قرار داشته است. یکی دیگر از پرستشگاه‌ها در منطقه «سالاهونیاس» در قصبه درجان واقع در هایک هلیا قرار داشته است که در زمان سلطنت تیرداد، شاه ارمنی، ساخته شده است. (Ibid: 606-607)

یکی دیگر از معابد واهوانن^۱ در سرزمین تاراوان^۲ بوده است. معبد دیگر روی کوه k^cark^ce در بالای رودخانه فرات که به سوی کوه تائوروس بزرگ ظاهر می‌شود که به خاطر فراوانی خدمات مذهبی یشتیشات^۳ نامیده می‌شود. (نوری‌زاده ۱۳۷۶: ۳۷۵)

ایدئولوژی سه‌گانه

ایدئولوژی سه‌گانه در ایران، ارمنستان و هند دیده شده است. مجموعه خدایان ایران و هند بازتاب تجلیل ویژه‌ای است که این مردم درباره ساختار اجتماعی مربوط به خود داشتند. دومیل این مسئله را درباره قوم هند و اروپایی، به‌ویژه در اثرش با عنوان *ایدئولوژی سه بخشی هند و اروپاییان*، نشان داده است. (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۲۲۶)

خلاصه‌ای از گفتار او درباره ایران از این قرار است:

سه طبقه جامعه ایران یعنی روحانیون، جنگ‌آوران و برزگران با سه طبقه هندیان ارتباط دارد، هر چند از نامگذاری متفاوتی استفاده شده است. قدمت این سه‌بخشی‌بودن در ایران افسانه‌ای را تأیید می‌کند که هرودوت (۴، ۵، ۶) و

1. Vahevanean

2. Tarawan

3. Yaštišat

2. Nartes

3. Alaegatae

کونیتوس کرتیوس (۷ و ۸، ۱۹-۱۸) آن را بازگو کرده‌اند و به سرچشمه سکاییان مربوط می‌شود و در آن سه کارکرد به ترتیب با جام (برای مراسم ساغر ریزی)، داس یا نیزه و کمان و سرانجام خیش و کالسکه نمادپردازی می‌شود. سه طبقه در اسم دومین خانواده از سه خاندان نارت‌ها^۱، در حماسه آسیایی (که با کشتریای سنسکریت ارتباط دارد) اثری برجای گذاشتند. از جمله الگته^۲ قوی در هوش، اگسرتنگته^۳ قوی در مردانگی و نیرو و بوریتته^۴ دارنده دام‌های بسیار.

این سه بخشی بودن در بسیاری از حوزه‌ها بازتاب دارد. داریوش در کتیبه تخت جمشید از اهورامزدا می‌خواهد تا امپراتوری او را در مقابل ارتش دشمن، سال‌های سخت و دروغ (خشکسالی) محافظت کند.

به همین ترتیب، اوستا شفا را به سه‌گونه تقسیم می‌کند: با چاقو، با گیاهان و با سرودخوانی که یک طبقه‌بندی دیرینه هند و اروپایی است.

هند و اروپاییان و به دنبال آن هند و ایرانیان، سه کارکرد را با رنگ مشخص می‌کردند: سفید؛ رنگ روحانیت، قرمز یا رنگارنگی؛ رنگ جنگ‌آوران، و آبی تیره به بزرگان تعلق داشت.

«بنا به افسانه‌ای در ابیاتکار زاماسپیک در یادگار جاماسب^۵؛ فریدون جهان را بین سه پسرش تقسیم کرد که هر یک به ترتیب خواهان ثروت زیاد، ارزش و اعتبار و قانونیت دینی بودند. افسانه دیگری یشت ۳۴/۱۴ و دینکرد ۲۵/۱/۷، بازگو می‌کند که چگونه جمشید به‌عنوان مکافات گناهانش، از اقتدارش محروم می‌شود که علامت قابل رؤیت آن خورنه^۶ یا بخت از او در سه بخش متوالی جدا می‌شود تا به سه شخصیت متعلق به سه طبقه اجتماعی برزگر، جنگ‌آور و وزیر دانای فرمانروا بپیوندد.» (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۲۲۶ تا ۲۲۸)

1. Nartes	2. Alaegatae	3. Exsaertaegakatae
4. Boriatae	5. Abiyatkar Zamaspiik 4,40	6. Xvarənaḥ

یونان همچون ایران چیزی از ساختار اجتماعی، دینی دیرینه هند و اروپایی را حفظ کرده است. سه طبقه توصیف‌شده از جانب افلاطون در حمسپور، پادشاهان، جنگاوران و تولیدکنندگان ثروت، در هند نه تنها با سه کاست بلکه با سه اصل حاکم بر جان‌ها و جامعه یعنی درمه^۱ (قانون اخلاقی) کامه، کامجویی^۲ و ارته^۳ (منافع اقتصادی) همساز است. (Dumezil 1952: 24)

ایدئولوژی سه‌بخشی در افسانه «داوری پاریس» نیز مصداق می‌یابد: سه ایزد و بانو به ترتیب نماد شهریاری، پیروزی و قدرت خواسته است (ibid: 28) (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۲۷۶). اسامی یونانی که در برخی کتیبه‌ها دیده می‌شود، ممکن است چنانچه به سراغ بنای یادبود کماژن رویم، نمایانگر ایزدان ایرانی باشد. زئوس مجیستوس، آپولون هلیوس و آرتیمس آتنا، ممکن است کسی جز اهورامزدا، تیرداد و آناهیتا نباشد که به سستی که در عصر هخامنشی از زمان اردشیر دوم موجود بوده، ادامه می‌دهد. (دوشن گیمن ۱۳۸۱: ۳۶۲)

ایزدان سه‌گانه در ایران و ارمنستان

در ایران باستان، اهورامزدا، مهر، آناهیتا سه ایزدی هستند که در زمان هخامنشیان پرستیده می‌شدند و به نظر می‌رسد در زمان پارتیان نیز مورد توجه دین عمومی و حتی دین رسمی هم بوده‌اند و اگر ما متونی مؤید این امر در ایران نداریم، مدارک کتبی نسبت به وجود آن در ارمنستان به دست آمده است. زیرا مورخان قدیم آن کشور، نام معبد دارای سه مذبح مختص این سه رب‌النوع را که به اسم یاد شده‌اند، نقل کردند. اگر از این عهد به عقب برویم و به عهد هخامنشی برسیم، باید بپذیریم دو مذبحی که در دو فضای نقش رستم و پاسارگاد قرار

1. dharma

2. kâma

3. artha

دارد، با مذبح سومی که نزدیک برج معبد برپا بوده است، به همین ایزدان سه‌گانه تعلق داشتند و همچنین سه آتشی که روی سه مذبح در بام برج معبدی که در مسکوکات شاهان پارس تابع پارتیان منقوش است، نماینده همین تثلیث است. (گیریشمن ۱۳۴۹: ۳۱۹)

این ایزدان سه‌گانه ایرانی، اهورامزدا، مهر، آناهیتا از زمان اردشیر دوم تصدیق شده است (Russell 1987a: 213). در ارمنستان، تیرداد، شاه ارمنستان، آرامازد، آناهیت و وهاگن را طلب می‌کند یعنی اینکه ایزدان سه‌گانه ارمنی از آرامازد، آناهیت و وهاگن تشکیل شده است (Russell 2004: 376). در بین‌النهرین چنین مسئله‌ای نیز وجود داشته است. چنانکه ایزدبانوی نانه^۱ و ایزدبانوی برشم‌سوری^۲ و آستغیک سوری^۳ یک گروه تشکیل می‌دادند که پس از حمله اسکندر، به ارمنستان مهاجرت کردند و این گروه برشم، آستغیک، نانه با گروه آرامازد، آناهیت و وهاگن مطابقت می‌کند، اما جنسن (Jensen 1898: 181) پیشنهاد می‌کند که این بحث قابل قبول نیست. چرا که این ایزدان خودشان را به‌عنوان ایزدان مستقل و جدا معرفی کردند، به‌گونه‌ای که آستغیک عاشق و وهاگن می‌شود و معبدی در شهر مقدس یشتیشات بنا می‌کند. همچنان‌که آناهیت نیز معابدی داشته است (Ananikian 1926: 803). باید گفت از سه ایزد ایرانی، ناهید در خارج از مرزهای غربی ایران، پیشرفت بسیار کرده است. پرستش وی در لودیا که در آنجا به‌نام بلخیه مشهور شد و در سه منطقه بنطیقس، کاپادوکیه، ارمنستان انتشار یافت و مورد اقبال و توجه شاید بیشتر از پرستش مهر (میترا) گردید (گیریشمن ۱۳۴۹: ۳۲۶)، همان‌طور که دوشن‌گیمن می‌گوید رقیب جدی میترا در ارمنستان کسی جز وهاگن نیست (دوشن‌گیمن ۱۳۸۱: ۳۲۱). شاید این‌دره که به درجه اهریمن نزول کرد تا حدی به‌وسیله ورثرغنه و تا اندازه‌ای میثره جایگزین شده است. (همان: ۲۳۰)

1. Nanā

2. Syrian Baršam

3. Syrian Astlik

نتیجه

با بررسی و تطبیق این دو ایزدستان ایرانی، ارمنی می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به یکسان بودن منشأ و اصل این دو قوم یعنی اینکه هردو مربوط به اقوام هند و اروپایی هستند و همچنین با توجه به این مسئله که ادیان در دوران باستان همواره از ادیان ملل دیگر تأثیر پذیرفته و یا در ادیان ملل دیگر تأثیر گذاشته‌اند، می‌توان نکات مشترکی در ادیان کشورهایایی که همسایه و هم‌مرز و هم‌نژاد و ریشه‌اند، یافت. پس ایزدستان ارمنی بسیار تحت تأثیر ایزدستان ایرانی بوده است.

از سویی آنچه که مربوط به ایدئولوژی سه‌گانه باید گفت، این است که بسیاری از دانشمندان بر این باورند که چون جامعه هند و اروپایی به سه طبقه یعنی فرمانروایان، جنگجویان و کشاورزان تقسیم می‌شد، خدایان نیز به سه دسته تقسیم می‌شدند. این فرضیه مربوط به ساخت «سه‌گانه» جامعه بشری و ایزدی همچون کلیدی برای گشودن بسیاری از مشکلات اسطوره‌شناسی ایران به کار گرفته شده است. اما باید گفت که سلسله مراتب خدایان بر اساس الگوی بشری ساخته شده است.

پس با این بررسی می‌توان فهمید که این ایدئولوژی سه‌گانه، همواره در آیین هند و اروپایی وجود داشته و در همه ساختارهای اجتماعی نمود کرده است. این سه‌گانه‌گی ایزدان ایرانی و ارمنی هم شاید برگرفته از وجود چنین ایدئولوژی در اعصار باستان در میان قوم هند و اروپایی باشد.

کتابنامه

بویس، مری. ۱۳۷۵. *تاریخ کیش زرتشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. ج ۱. تهران: توس.

_____ . ۱۳۸۶. *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه عسکر بهرامی. ج ۹. تهران: ققنوس.

بهار، مهرداد. ۱۳۸۱. *پژوهشی در اساطیر ایران*. ج ۴. تهران: آگاه.

- پورداوود. ابراهیم. ۱۳۴۰. یسنا. ج ۱. چ ۲. تهران: طهوری.
- پورداوود. ابراهیم. ۱۳۴۰. بیستها. جلد ۱ و ۲. چاپ ۱. تهران: فروهر.
- خدادادیان. اردشیر. ۱۳۷۹. اشکانیان. ج ۱. تهران: به دید.
- خورناتسی. موسی. ۱۹۸۲. تاریخ ارمنستان. ترجمه گئورگی نعلندیان. ایروان.
- دوشن گیمن. ۱۳۸۱. دین ایران باستان. ترجمه رویا منجم. ج ۱. تهران: علم.
- گیریشمن. رمان. ۱۳۴۹. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. ج ۳. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نوری‌زاده. احمد. ۱۳۷۶. تاریخ و فرهنگ ارمنستان از آغاز تا امروز. تهران: چشمه.
- ویدن‌گرن. گئو. ۱۳۷۷. دین‌های ایرانی. ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- هینلز. جان. ۱۳۷۵. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. ج ۶. تهران: چشمه.

منابع انگلیسی

- Abrahamyan, A.G. 1979. *Matenagrutcyun*. trans And ed Anania širakacci. Erevan.
- Agathangelos, R.W. Thomson. 1976. *History of the Armenians*. Albany: state university of New York press:
- Alishan, 1895. *Ancient faite of the Armenian*. Venice.
- Ananikian, u.H. 1926. "Hasting's encyclopedia of religion and ethics". Vol 1. New York.
- Bartholomae, c. 1905. *Die Gatha's des Awest a*. strassbung: Velag von Karl, J Trubner.
- Boyce, Mary. 1985. "Anāhid". *Encyclopaedia. Iranica* Vol 1. London and Boston.
- Dumezil. 1952. *The triade ideologie*. Bruxelles
- Gershevich, I. 1959. *The Avestan Hymn to Mitra*. Cambridg: University press.
- H, Hubschman. 1962. *Armenishe Grammatik*. Germany.
- Jensen, 1898. *Hittier and Armenier*. Strassburg.
- Kent, Roland Grubb. 1952. *Old Persian*. Teheran: Tahouri.
- M.H. Ananikian. 1926. *Hasting's encyclopedia of religion and ethics*. vol 1. Newyork.
- Meillet, A. 1978. *Hayagitakan usumnasirutcyunner*. "Armenological studies". Erevan. (includes all Meillet's articles on prechristian Arm. Religion and on Arm. Loan-words from Iranian, all in Arm. Trans)
- Nyberg, H.S. 1381. *A manuel of pahlavi*. part II. Tehran: Astir..
- Russell, James. 1987a. *Zoroastrianism in Armenia*. Harvard university.

----- . 1987b. "Armenia and Iran, Armenian religion". *Encyclopedia Iranica*. on line edition, available at [www. Iranica, online, Org/articles/ Zoroastrianism-i-historical-review](http://www.Iranica.org/articles/Zoroastrianism-i-historical-review).

----- . 2004. *Armenian and Iranian studies*. Harvard: university press: Cambridge, Massashusette.

Schmith, Fredrich. 1953. *Perspolis I. Reliefs*. Chicago.

H. Taqizadeh. 1940. *The Iranian Festivals Adopted by the Christians and ondemned by the Jews* BSOAs.